



رمزگشایی تجارت جهانی و درک تحولات پیش روی آن



معاونت بررسی های اقتصادی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران





تهیه و تنظیم:

مهسا رجیبی نژاد

معاونت بررسی‌های اقتصادی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

موضوع این گزارش، الزامات موضوع اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران نیست.

اردمهشت ۱۴۰۳

از طریق پست الکترونیکی زیر می‌توانید پیشنهادهای و نظرات اصلاحی خود را به واحد مربوطه منعکس نمایید:

economic_research@tccim.ir

استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.

استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.



فهرست مطالب

خلاصه مدیریتی	۴
۱. مقدمه	۵
۲. مروری بر تحولات پیش روی تجارت جهان	۶
۳. الگوهای جدید حکمرانی تجارت جهانی	۷
۱.۳. تلاقی نبرد آمریکا و چین	۸
۲.۳. عوامل محدودکننده تجارت	۱۰
۱.۲.۳. تضمین و پایداری عرضه داخلی	۱۰
۲.۲.۳. چالش‌های ژئوپلیتیکی	۱۰
۳.۲.۳. چالش‌های زیست محیطی	۱۱
۳.۳. تشدید نابرابری درآمد با ظهور بنگاه‌های چندملیتی	۱۳
۴. تجارت در جهان فعلی	۱۴
۱.۴. روند فعلی تجارت و چشم‌انداز آن	۱۴
۲.۴. محرک‌های تجارت	۱۶
۳.۴. شاخص‌های تجارت	۱۷
۱.۳.۴. شاخص وابستگی صادرات	۱۷
۲.۳.۴. شاخص وضعیت خالص غذا و انرژی	۱۸
۵. چالش‌های تجارت جهانی	۲۱
۶. نتیجه‌گیری	۲۴
۷. منابع	۲۵

خلاصه مدیریتی

طی ۳۰ سال گذشته، تجارت جهانی تحولات چشم‌گیری را تجربه کرده است. این تغییرات از تغییر در الگوهای تجاری و کاهش تعرفه‌ها تا مفهوم‌های نظارتی جدید و افزایش توجه به استانداردهای تجارت بین‌المللی ادامه داشته‌اند. در این مدت، تمرکز اصلی تجارت از اصلاح قوانین تجاری و کاهش موانع سرمایه‌گذاری به سمت ایجاد یک چارچوب نظارتی قوی‌تر و تأکید بر استانداردهای بین‌المللی تغییر یافته است.

این تغییرات نه تنها بر روی شرکت‌ها و کسب و کارها تأثیر گذاشته؛ بلکه بر کشورها و فضای سیاست‌گذاری نیز اثرات قابل توجهی داشته است. به عنوان مثال، کشورهای در حال توسعه به دنبال کاهش وابستگی به تجارت بین‌المللی و افزایش استقلال مالی خود هستند. این فرآیند گذار به کاهش تمایل به همکاری بین‌المللی و افزایش نگرانی‌های امنیتی و اقتصادی در برخی کشورها منجر شده است.

همچنین، توزیع نابرابر منافع حاصل از تجارت بین‌المللی، به ویژه میان اقتصادهای پیشرفته و در حال توسعه، به یکی از چالش‌های اصلی جهانی تبدیل شده است. این تفاوت‌ها باعث ایجاد تنش‌های تجاری بین کشورها شده و نگرانی‌های جدی در مورد برقراری عدالت در تجارت بین‌المللی و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه کشورها به وجود آورده است.

افزایش استفاده از سیاست‌های صنعتی و حمایتی توسط برخی از کشورهای پیشرفته، نقش مهمی در تغییرات تجارت جهانی داشته است. به کارگیری این سیاست‌ها می‌تواند منجر به ایجاد موانع برای کشورهای در حال توسعه شده و فشارهای بیشتری بر آنها وارد کنند و مانع از توسعه و رشد پایدار آنها شود.

با این وجود، تغییرات اخیر در تجارت بین‌المللی نشان می‌دهند که همچنان فرصت‌هایی برای توسعه و رشد وجود دارد. برای مثال، تکنولوژی‌های جدید و روش‌های نوین تولید می‌توانند به کشورهای در حال توسعه کمک کنند تا از مزایای تجارت بین‌المللی بهره‌مند شوند و به رشد اقتصادی پایدار دست یابند.

بنابراین، تجارت بین‌المللی به عنوان محرک مهم اقتصاد جهان، نیازمند اتخاذ استراتژی‌های جدید و انطباق مستمر با تحولات بین‌المللی است. این امر نیازمند همکاری بین کشورها و ایجاد چارچوب مناسب برای تجارت بین‌المللی است که امکان دسترسی به فرصت‌ها و مزایای تجاری را برای همه کشورها فراهم نماید.

در این گزارش، ضمن ارائه تعریف جدیدی از تجارت جهانی، به مرور روند تحولات و وضعیت فعلی آن در کنار چالش‌های پیش رو پرداخته خواهد شد.

۱. مقدمه

تحولات اخیر در بازارهای بین‌المللی تحت تأثیر دو مجموعه اصلی از عوامل قرار گرفته است. اولاً، سال ۲۰۲۲ نقطه اوج بهبودی همه‌گیری بود و اقتصاد جهان اکنون وارد دوره پسا کووید-۱۹ با تأثیرات نامشخص می‌شود. عوامل شکل‌دهنده این دوره شامل اتخاذ سیاست‌های پولی سخت‌گیرانه‌تر توسط بانک‌های مرکزی در کشورهای پیشرفته، توجه بیشتر به رویکردهای ژئواستراتژیک نسبت به روابط اقتصادی بین‌الملل، نفوذ فزاینده سیاست صنعتی بر استراتژی‌های تجاری اقتصادهای بزرگ و عدم قطعیت‌های مختلف ژئواکونومیکی است.

ثانیاً، چرخه پس از همه‌گیری، روندهایی را نشان می‌دهد که ضعف‌های ساختاری از قبل موجود را در اقتصاد جهانی تشدید می‌کند. این ضعف‌ها که قبل از شوک همه‌گیری وجود داشت، به طور ویژه کشورهای در حال توسعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این موارد شامل تمرکز بازارهای صادراتی و عدم تقارن توزیع درآمد، کاهش سرمایه‌گذاری و سطوح بدهی ناپایدار، شکاف تکنولوژیکی در حال افزایش و افزایش هزینه‌های مرتبط با بحران آب و هوا و گذار انرژی است. این درهم‌تنیدگی‌ها، نگرانی‌های کلیدی برای اقتصاد جهانی ایجاد می‌کند. علاوه بر شکاف‌ها در معماری مالی بین‌المللی، نگرانی‌های جدی در مورد سیستم تجارت چندجانبه مبتنی بر قانون وجود دارد، زیرا بعید به نظر می‌رسد که به نظم هماهنگ و پایدار لازم برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار دست یابد.

توانایی سیاست‌گذاران برای رسیدگی به این چالش‌های حاکمیتی در ماه‌های آینده تعیین خواهد کرد که آیا جهان می‌تواند از رکود جهانی در سال ۲۰۲۴ جلوگیری کند، آیا کشورهای در حال توسعه می‌توانند از "دهه از دست رفته" اجتناب کنند و آیا سیستم چندجانبه فعلی می‌تواند این دهه را پایان دهد.

یافتن پاسخ مناسب مستلزم اتخاذ یک دیدگاه بلندمدت و رویکردی جامع از سوی سیاست‌گذاران است. بسیاری از نگرانی‌های دیرینه کشورهای در حال توسعه در مورد سیستم تجارت بین‌المللی، مانند بازارهای مخدوش کشاورزی، ناامنی غذایی، صنعتی‌زدایی زود هنگام و شیوه‌های تجاری محدودکننده، به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته و منجر به نتایجی شده که به جای دستیابی به نتایج سودمند متقابل پیش‌بینی شده در مدل‌های تجاری سنتی، تنها به نفع عده معدودی است.

۲. مروری بر تحولات پیش روی تجارت جهان

رشد تجارت جهانی کالا و خدمات در سال ۲۰۲۳، حدود ۱ درصد تخمین زده می‌شود که به طور قابل توجهی کمتر از رشد تولید اقتصاد جهانی و کمتر از میانگین رشد دهه گذشته بوده و نشان دهنده بازگشت به روند کند پیش از بحران است؛ به طوری که تجارت کالا با وجود تاب‌آوری تجارت جهانی در خدمات، کاهش را تجربه می‌کند. این تغییرات در ساختار تجارت جهانی و درک سیاسی در حال تحول از نقش آن منجر به ارزیابی مجدد اهمیت تجارت و واکنش فزاینده علیه سیستم موجود حکمرانی جهانی شده است.

در سی سال گذشته، تمرکز تجارت از کاهش تعرفه‌های تجاری و موانع سرمایه‌گذاری به استانداردها و هنجارهای نظارتی در داخل کشورها تغییر کرده است. این چارچوب نظارتی جهانی در درجه اول به نفع بنگاه‌های بزرگ چندملیتی بوده و باعث شده است که فضای سیاست‌گذاری کشورهای در حال توسعه، به ویژه در پی بحران‌های اخیر، به تدریج تغییر یابد.

توزیع نابرابر منافع حاصل از سیستم تجارت بین‌الملل، که در اقتصادهای پیشرفته و در حال توسعه مشهود است، به واکنش شدید علیه قوانین حاکمیت جهانی و مفهوم تجارت آزاد دامن زده است. سیاست‌گذاران اکنون در حال ارزیابی مجدد نقش تجارت و مداخله فزاینده در بازارهای داخلی و بین‌المللی هستند. این تغییر در ظهور واژگان جدید مرتبط با تجارت مانند «تجزیه»، «جهانی‌زدایی» و «سیاست صنعتی جدید» منعکس شده است.

در حالی که میزان نیاز به اصلاحات تجاری به یک رژیم تجارت بین‌المللی جدید تبدیل می‌شود، مشخص نیست که تغییرات اساسی در تجارت جهانی از جمله بازسازی زنجیره‌های تامین جهانی در حال انجام است. اقتصادهای در حال توسعه برای عبور از این تحول با چالش‌های مهمی روبرو هستند، زیرا چشم انداز رشد اقتصادی آنها و فضای سرمایه‌گذاری محدود می‌شود و فشارهای مالی افزایش می‌یابد.

بر اساس تجربیات گذشته، زمانی که امنیت ملی و مسائل ژئوپلیتیکی در سیاست‌گذاری اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، گزینه‌های چند جانبه^۱ کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. این امر می‌تواند منجر به گرفتار شدن کشورهای در حال توسعه در میانه مناقشات تجاری و یا احساس ناچاری برای همسویی با یک طرف، در درگیری‌های اقتصادی شود. علاوه بر این، استفاده روزافزون از ابزارهای حمایتی توسط کشورها و اعمال فزاینده سیاست‌های صنعتی توسط اقتصادهای بزرگ، می‌تواند اثرات منفی بر صادرات کشورهای در حال توسعه داشته باشد و پتانسیل آنها را برای دستیابی به تحول ساختاری مختل کند.

در حالی که برخی کشورهای در حال توسعه ممکن است دستاوردهای کوتاه مدتی را از بازسازی زنجیره‌های تامین جهانی تجربه کنند و برخی دیگر ممکن است از افزایش سرمایه‌گذاری در فناوری‌های سبز توسط اقتصادهای پیشرفته بهره ببرند،

¹ multilateral options

دستیابی به توسعه پایدار مستلزم حمایت موازی است. این حمایت شامل تسهیل دسترسی به منابع مالی قابل اعتماد و مقرون به صرفه، ایجاد توازن مجدد در قوانین تجاری، کاهش قدرت بازار بنگاه‌های بزرگ چند ملیتی، ترویج انتقال فناوری و توانمندسازی کشورهای در حال توسعه برای افزودن ارزش بیشتر به صادرات خود از طریق افزایش پردازش مواد خام است. ضروری است بدانیم که توسعه را نمی‌توان صرفاً با افزایش جریان‌های تجاری یکی دانست و تحقق اهداف توسعه پایدار (SDGs)^۲ مستلزم استراتژی‌های سیاستی فعال و نهادهایی است که آرزوهای اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی کشورهای در حال توسعه را در اولویت قرار می‌دهند.

روندهای اخیر در تجارت بین‌المللی ترکیبی از تحولات مثبت و منفی را نشان می‌دهد. درحالی که نشانه‌هایی از بازگشت به حالت عادی پس از همه‌گیری کووید-۱۹ وجود دارد، عواملی مانند سیاست تجاری به جنبه منفی آن کمک می‌کند. جنبه‌های مثبت شامل پایان اختلالات عمده زنجیره تامین، تثبیت لجستیک حمل و نقل و تعدیل اثرات رویدادهای ژئوپلیتیکی است. کاهش در نرخ حمل و نقل دریایی بین‌المللی و بهبود در ترافیک هوایی بین‌المللی، به ویژه در منطقه آسیا-اقیانوسیه وجود داشته است. این عوامل منجر به رکورد بالای ارزش تجارت بین‌المللی در حدود ۳۲ هزار میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ شده است، اگرچه این رشد تحت تأثیر افزایش شدید قیمت در برخی از کالاها است. با این حال، داده‌ها نشان می‌دهد که بر خلاف انتظارات برای بازگشت، کاهش در تجارت کالا وجود دارد. در همین راستا، اگرچه تجارت خدمات نیز با شکست مواجه شده، اما نشانه‌هایی از رشد را نشان می‌دهد. به طور کلی، تجارت بین‌الملل در سال ۲۰۲۳ حدود ۱ درصد رشد کرده که کمتر از رشد فعالیت‌های اقتصادی جهان است. ریسک‌های مختلف از جمله تنش‌های تجاری، تضعیف تقاضای جهانی و عدم قطعیت‌های ژئوپلیتیکی، چشم‌انداز تجارت را با چالش‌هایی مواجه می‌کند.

۳. الگوهای جدید حکمرانی تجارت جهانی

چشم‌انداز تجارت در حال حاضر به آرامی رشد می‌کند و سیاست‌گذاران تاکید مجددی بر ملاحظات سیاستی دارند. در دوران پس از جنگ جهانی دوم، تصمیم‌گیری‌های سیاست تجاری نسبتاً ساده بود و با اولویت‌های بخشی و نگرانی‌های امنیتی تعدیل شده، هدایت می‌شد. این باور غالب وجود داشت که تجارت بین‌الملل نقش حیاتی در پیوند مشاغل، سرمایه‌گذاری، بهره‌وری و درآمد در یک چرخه فضیلت^۳ دارد. درحالی که این ارتباط کامل نبود، با کشورهای در حال توسعه که با چالش‌هایی مواجه بودند، معماری اقتصاد جهانی پس از جنگ به دولت‌ها این امکان را می‌داد تا از طریق یک رژیم تجارت بین‌المللی تسهیل‌کننده، پیوندهای ضعیف یا شکسته بین‌المللی را احیا یا جایگزین کنند.

² Sustainable Development Goals

^۳ virtuous cycle - به زنجیره‌ای پیچیده از رویدادها گفته می‌شود که از طریق مکانیسم بازخورد یکدیگر را تقویت می‌کنند. چنانچه این تقویت در راستای ایجاد نتایجی روز به روز بهتر باشد به آن «چرخه‌ی فضیلت» می‌گویند

با این حال، چشم‌انداز تجارت جهانی به طور قابل توجهی در طول زمان تغییر کرده است. تکامل زنجیره‌های ارزش جهانی، اتخاذ برنامه‌های سیاستی یکسان و فرسایش استقلال مالی، سیاست‌گذاران را محدود کرده و به همین دلیل همسو کردن تلاش‌های کشورهای برای ادغام در اقتصاد جهانی با اولویت‌های ملی و محلی برای آنها به طور فزاینده‌ای چالش برانگیز شده است. کشورهای در حال توسعه، به ویژه، با چالش دوگانه رشد نابرابر، ایجاد شغل (به ویژه در اقتصاد رسمی)، افزایش وابستگی به کالاها و گسترش شکاف‌های اجتماعی مواجه شده‌اند.

حتی قبل از همه‌گیری، نگرانی‌های فزاینده‌ای در مورد محدودیت‌های مدل رشد مبتنی بر تجارت و مبتنی بر نیروی کار و توزیع نابرابر مزایای تجاری وجود داشت. در دو سال گذشته، این نگرانی‌ها در یک اقتصاد سیاسی جدید با حکمرانی تجاری ادغام شده است. این «اجماع جدید» در حال ظهور تأکید کمتری بر جهانی‌سازی و آزادسازی تجارت دارد و در عوض ایجاد زنجیره‌های تأمین تاب‌آور، حمایت از گذار عادلانه انرژی، ایجاد مشاغل مناسب، مبارزه با فساد و اجتناب از مالیات شرکت‌ها و توسعه زیرساخت‌های دیجیتال امن را در اولویت قرار می‌دهد.

تحقق این اهداف مستلزم انحراف از این فرض است که رشد مبتنی بر تجارت به طور خودکار به رشد فراگیر و منافع گسترده در داخل کشورها منجر می‌شود و در همین راستا تنها یک رویکرد سیاست یکپارچه‌تر، از جمله استراتژی صنعتی اختصاصی و مشارکت‌های بین‌المللی جدید مورد نیاز است.

تغییر به سمت اولویت‌های جدید در حکمرانی تجارت بین‌الملل می‌تواند باعث ایجاد تنش در میان شرکای تجاری و ایجاد نگرانی‌ها، به ویژه برای کشورهای در حال توسعه با فضای مالی محدود شود. پذیرش یکجانبه بدون در نظر گرفتن پیامدها، می‌تواند این تنش‌ها را برای رویه‌های چندجانبه تشدید کند. بررسی جنبه‌های فعلی و بالقوه این تنش‌ها به منظور هدایت چشم‌انداز در حال تغییر تجارت بین‌الملل بسیار مهم است.

۱.۳. تلافی نبرد آمریکا و چین

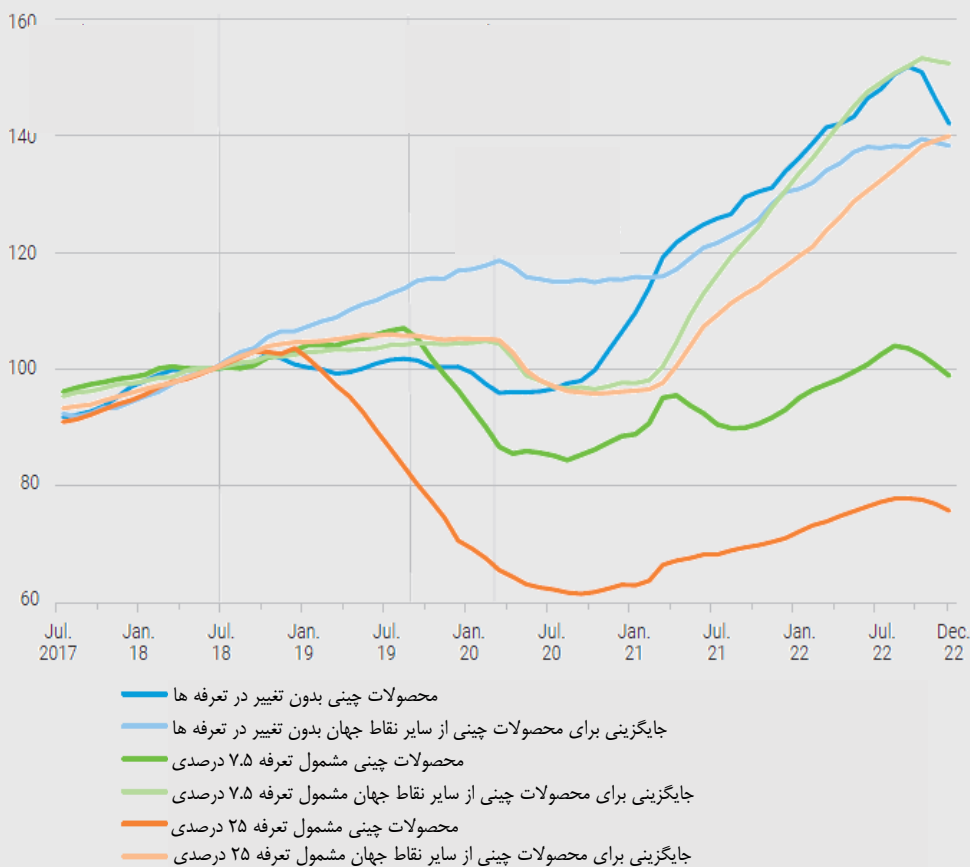
در سال‌های اخیر، چین از ایالات متحده به عنوان صادرکننده برتر کالاهای تولیدی در جهان پیشی گرفته است. ایالات متحده از سال ۲۰۱۷ با اعمال افزایش تدریجی تعرفه‌ها بر صادرات چین، به کسری تجاری فزاینده خود با چین پاسخ داد (نمودار ۱). این امر منجر به انحراف تجارت به نفع سایر رقبای بزرگ اقتصادی چین مانند مکزیک و اتحادیه اروپا شده است. با این حال، برخی جزئیات، نگرانی و عدم تأیید را در میان کشورهای ذینفع ایجاد کرده است.

جالب اینجاست که علی‌رغم اختلاف تجاری، کل واردات کالا از چین به ایالات متحده به سطح قبل از کووید-۱۹ بازگشته است که عمدتاً به دلیل افزایش واردات محصولات است که مشمول تعرفه نمی‌شوند. در سال ۲۰۲۲، واردات دوجانبه کالا و خدمات از چین به ایالات متحده به حدود ۵۶۴ میلیارد دلار رسید که ناشی از گسترش خدمات بوده است. ایالات متحده همچنان مقصد اصلی صادرات کالاهای چینی است و پس از آن ژاپن، کره جنوبی، ویتنام و هند قرار دارند. با این وجود،

اختلاف تجاری هزینه‌هایی را بر شرکای تجاری تحمیل کرده است. در همین راستا، تحقیقات نشان می‌دهد که هم ایالات متحده و هم چین به دلیل وجود تعرفه‌ها، اثرات نامطلوبی را بر درآمد واقعی خود احساس کرده‌اند و در کنار آن مصرف‌کنندگان این بار را از طریق افزایش قیمت‌ها متحمل شده‌اند. جنگ تجاری همچنین فرصت‌های تجاری جدیدی را برای کشورهای که مستقیماً درگیر مناقشه نیستند، ایجاد کرده است. با این حال، پیشنهاد می‌شود که کشورهایی که از جنگ تجاری منتفع شده‌اند، مانند چک، مالزی و مکزیک، آن را فرصتی برای سرمایه‌گذاری در تسهیلات جدید، زیرساخت‌های تجاری یا تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری در نظر گرفته باشند. این کشورها همچنین ممکن است با توجه به شرایط اعتباری مطلوبی که دارند و به خوبی در تجارت جهانی ادغام شده‌اند، بتوانند از فرصت‌های صادراتی جدید در بخش‌های مختلف استفاده کنند. تنوع اقتصادهای سودمند نشان می‌دهد که اصلاحات و نهادهای خاص کشور نقش مهمی در تعیین چگونگی واکنش صادرات کشورها در عصر جهانی شدن پس از همه‌گیری دارند.

نمودار ۱. واردات کالاهای ایالات متحده از چین و سایر نقاط جهان بر اساس لیست تعرفه‌ها

(۱۰۰=ژوئن ۲۰۱۸)



منبع: آنکتاد

۲.۳. عوامل محدودکننده تجارت

تغییر نگرش نسبت به سیاست تجاری در سراسر جهان منجر به اجرای کنترل‌های صادراتی جدید شده است. این کنترل‌ها اساساً بر سه هدف متمایز اما به هم پیوسته متمرکز شده‌اند که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود. شایان ذکر است، این اهداف متقابل نیستند و اغلب با یکدیگر همپوشانی دارند.

۱.۲.۳ تضمین و پایداری عرضه داخلی

قوانین موجود سازمان تجارت جهانی از نظر رسیدگی به نگرانی‌ها در مورد عرضه داخلی، محدودیت‌ها یا ممنوعیت‌های موقت صادرات را برای کاهش کمبودهای اساسی محصولات ضروری امکان‌پذیر می‌سازد. با این حال، این اقدامات باید از شرایط خاصی مانند ارتباطات، جدول زمانی حذف تدریجی و تناسب در رابطه با مقیاس مشکل پیروی کنند. تعریف آنچه متناسب در نظر گرفته می‌شود یک چالش کلیدی است.

در طول همه‌گیری کووید-۱۹، بیش از ۸۰ کشور ممنوعیت صادرات کالاهای پزشکی و انواع وسایل محافظت فردی را در مراحل اولیه اعمال کردند. به طور مشابه، پس از درگیری در اوکراین در سال ۲۰۲۲، نزدیک به ۱۰۰ محدودیت صادراتی برای کالاهای اساسی کشاورزی در میان ۳۵ عضو یا ناظر سازمان تجارت جهانی شناسایی شد.

در حالی که این اقدامات یک‌جانبه اغلب با نیت خوب اجرا می‌شوند، اما می‌توانند اثرات نامطلوبی داشته باشند. این موضوع این سوال را مطرح می‌کند که آیا جامعه بین‌المللی باید قوانین سخت‌گیرانه‌تری به‌ویژه برای کالاهای ضروری مانند دارو و غذا وضع کند تا اینگونه اقدامات را بهتر تنظیم و از پیامدهای منفی که می‌تواند تاب‌آوری کلی را تضعیف نماید، جلوگیری کند یا خیر.

۲.۲.۳ چالش‌های ژئوپلیتیکی

در سال‌های اخیر، انواع محدودیت‌های صادراتی با پیامدهای ژئوپلیتیکی ظاهر شده است. این موارد شامل صدور مجوز غیر خودکار، تخفیف مالیات بر ارزش افزوده^۴ بر صادرات و ممنوعیت کامل است. بر اساس ماده بیست و یکم موافقتنامه عمومی تعرفه‌ها و تجارت^۵، مفهوم «امنیت ملی» به عنوان توجیهی برای انحراف از قوانین تجارت بین‌المللی استفاده شده است. جنگ در اوکراین و نگرانی‌ها در مورد درگیری‌های نظامی احتمالی آینده این موضوع را بیش از پیش تقویت کرده است.

در نتیجه، تامین مواد خام حیاتی لازم برای گذار سبز، تولید مواد غذایی و فرآیندهای صنعتی به دلیل اجرای این اقدامات توسط چندین کشور صادرکننده تحت تاثیر قرار گرفته است. در برخی موارد، محدودیت‌های صادراتی، مولفه‌های با فناوری بالا، مانند فناوری ساخت تراشه و تراشه‌های پیشرفته را هدف قرار داده است. ایالات متحده و پس از آن ژاپن و هلند

⁴ value added tax

⁵ General Agreement on Tariffs and Trade

محدودیت‌هایی را برای فروش این فناوری‌ها به کشورهایی مانند چین اعمال کردند. به طور مشابه، ایالات متحده اقداماتی را برای حذف شرکت‌های چینی از مشارکت در توسعه زیرساخت‌های دیجیتال جهانی با اشاره به نگرانی‌های امنیتی انجام داده است.

نمونه‌هایی از دیگر مداخلات شامل لهستان، اسلواکی، مجارستان و رومانی است که ممنوعیت واردات غلات اوکراین را اعمال کردند، علی‌رغم اینکه اتحادیه اروپا ممنوعیت خود را در سپتامبر ۲۰۲۳ متوقف کرد. این محدودیت‌های صادراتی مرتبط با ژئوپلیتیک، پیامدهای مهمی بر تجارت جهانی داشته و نگرانی‌هایی را در مورد پراکندگی و اختلال بالقوه زنجیره‌های تامین ایجاد کرده است.

۳.۲.۳. چالش‌های زیست محیطی

محدودیت‌های صادراتی با هدف تقویت ارزش افزوده داخلی و تقویت پیوندهای آینده در داخل یک کشور به طور فزاینده‌ای به عنوان الزامات توسعه‌ای برای برخی از کشورهای صادرکننده کالا در نظر گرفته می‌شود. به عنوان مثال اندونزی را در نظر بگیرید که از سال ۲۰۰۹ با اعمال محدودیت بر صادرات نیکل خود، سرمایه‌گذاری در تاسیسات فرآوری محلی مرتبط با گذار انرژی جهانی را به طور فعال ترویج کرده است. این تلاش با ممنوعیت کامل صادرات سنگ نیکل در سال ۲۰۱۴ به اوج خود رسید. با این حال، سیاست اندونزی مورد توجه اتحادیه اروپا قرار گرفت و منجر به اختلاف در سازمان تجارت جهانی شد. در نوامبر ۲۰۲۲، یک هیئت به اندونزی توصیه کرد که اقدامات خود را با تعهداتش هماهنگ کند که اندونزی نیز نسبت به این تصمیم اعتراض کرد و این پرونده به دلیل وضعیت غیرعملیاتی فعلی نهاد استیناف سازمان تجارت جهانی در حال بررسی است.

اخیراً، زیمبابوه (در دسامبر ۲۰۲۲) و نامیبیا (در ژوئن ۲۰۲۳) با اعلام ممنوعیت صادرات مواد معدنی حیاتی فرآوری نشده مانند خاک‌های کمیاب و لیتیوم، این اقدام را دنبال کردند و هدف آنها ایجاد زنجیره تامین قوی‌تر برای پردازش مواد خام بود.

اثر بخشی محدودیت‌های صادراتی به این بستگی دارد که آیا جایگزین‌های محصول مورد نظر به راحتی در بازارهای بین‌المللی موجود است. در این صورت، سایر صادرکنندگان ممکن است از این ممنوعیت‌ها بهره‌مند شوند.

ایجاد تعادل بین استقلال سیاست ملی با یکپارچگی اقتصادی جهانی و منطقه‌ای چالش بزرگی برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه ایجاد می‌کند. فضای ناکافی سیاست‌گذاری می‌تواند توانایی دولت‌ها را برای رسیدگی به نیازهای محلی مختل کند و اعتماد به مقررات جهانی را از بین ببرد. ارزیابی ترکیب خط‌مشی مناسب برای نیازهای یک کشور مستلزم ارزیابی اثر بخشی یک سیاست در ارتقاء تنوع و پیشرفت اقتصادی است، مشروط بر اینکه هیچ جایگزین برتری برای همه ذینفعان درگیر وجود نداشته باشد.

پرداخت‌های انتقالی در حوزه رفع چالش‌های زیست‌محیطی، به ویژه در کشورهای توسعه‌یافته، نشان‌دهنده تمرکز مجدد بر سیاست‌های صنعتی داخلی با هدف افزایش رشد اقتصادی، تقویت ایجاد شغل و پیشبرد پایداری زیست‌محیطی است. قابل ذکر است، در ایالات متحده، اقداماتی قانونی از جمله قانون کاهش تورم، ایجاد مشوق‌های مفید برای تولید نیمه‌هادی‌ها و سرمایه‌گذاری زیرساختی و قانون مشاغل برای حمایت از بخش‌های کلیدی مانند برق تصویب شده است.

به طور مشابه، در اتحادیه اروپا، ابتکاراتی مانند طرح صنعتی معامله سبز^۶ و قانون صنعت خالص صفر^۷ بر تعهد به آموزش نیروی کار و ترویج پروژه‌های انرژی پاک تاکید می‌کند. طرح صنعتی معامله سبز، به ویژه، یک رویکرد مالی چند وجهی را با هدف تجهیز کارگران اروپایی به مهارت‌های لازم برای گذار به سمت یک اقتصاد پایدارتر اتخاذ می‌کند. علاوه بر این، قانون صنعت خالص صفر به دنبال تسهیل مقررات در مورد کمک‌های دولتی است و دامنه یارانه‌های داخلی مجاز را برای پوشش دادن تلاش‌های مختلف در زمینه انرژی پاک گسترش می‌دهد.

با این حال، این ابتکارات نگرانی‌های جهانی را، به ویژه در میان کشورهای در حال توسعه، در مورد پیامدهای تجاری بالقوه آنها برانگیخته است. مکانیسم‌هایی مانند مکانیسم تنظیم مرز کربن^۸ و مقررات جنگل‌زدایی^۹ که می‌تواند به طور نامتناسبی بر صادرات کشورهای در حال توسعه تأثیر بگذارد، از نگرانی‌های ویژه‌ای برخوردار است. کشورهای در حال توسعه، از جمله چین، ممکن است این اقدامات را در سازمان تجارت جهانی به چالش بکشند و در مورد رعایت اصولی مانند اصل "محبوب‌ترین ملت"^{۱۰} و اصل "مسئولیت‌های مشترک اما متمایز"^{۱۱} که در توافقنامه پاریس به آن اشاره شده، نگران هستند.

علاوه بر این، نیاز به انسجام بیشتر بین اهداف تجاری و اقلیمی، با اذعان به ظرفیت‌های متفاوت و مشارکت‌های تاریخی انتشار گازهای گلخانه‌ای ملت‌ها، به رسمیت شناخته می‌شود. این امر مستلزم رویکردی فراگیرتر و چندجانبه‌تر برای بحث‌های سیاستی بوده و تضمین می‌کند که به نگرانی‌ها و منافع همه ذینفعان، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، به اندازه کافی توجه شده است.

پیمایش در تعامل پیچیده بین سیاست‌های صنعتی داخلی، ملاحظات تجاری و اهداف زیست‌محیطی مستلزم بررسی دقیق و احتمالاً بازنگری در توافقات موجود سازمان تجارت جهانی است. تضمین دسترسی عادلانه به فناوری‌های سبز و تقویت همکاری بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نیز برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و فراگیر در مقیاس جهانی ضروری است.

⁶ Green Deal Industrial Plan

⁷ Net-Zero Industry Act

⁸ Carbon Border Adjustment Mechanism

⁹ the Deforestation Regulation

¹⁰ Most Favored Nation

¹¹ common but differentiated responsibilities

۳.۳. تشدید نابرابری در آمد با ظهور بنگاه‌های چندملیتی

علی‌رغم تغییرات در سیستم تجارت بین‌المللی، توجه کافی به توزیع مزایا صورت نگرفته است که این امر منجر به نارضایتی کشورهای در حال توسعه و گروه‌های خاصی در اقتصادهای توسعه‌یافته شده است. گسترش تجارت، به ویژه از طریق زنجیره‌های ارزش جهانی که توسط اقتصادهای پیشرفته کنترل می‌شود، کشورهای در حال توسعه را درگیر مشارکت در تقسیم کار کرده است. با این حال، موفقیت این مدل ناسازگار بوده است و تردیدهایی در مورد اثرات مثبت مورد انتظار بر رشد و فراگیر بودن آن وجود دارد. تکرار موفقیت‌هایی که در برخی از کشورهای در حال توسعه دیده می‌شود در دیگر مناطق دشوار به نظر می‌رسد. علاوه بر این، بنگاه‌های بزرگ قدرت بیشتری برای کسب سود به دست آورده‌اند که به کاهش درآمد نیروی کار جهانی و بدتر شدن نابرابری درآمد کمک کرده است. علی‌رغم اینکه کشورهای در حال توسعه مشارکت خود را در تجارت جهانی عمیق‌تر کرده‌اند، این امر منجر به روابط تجاری نابرابر شده است. شایان ذکر است، اگرچه ارزیابی مسائل توزیعی به دلیل محدودیت داده‌ها چالش برانگیز است، تحقیقات قبلی تمرکز صادرات در کشورهای در حال توسعه را برای بزرگترین شرکت‌های جهانی برجسته کرده است. توزیع درآمد نیز در طول سال‌های همه‌گیری کووید-۱۹ به نفع صاحبان سرمایه ادامه داشته و سود ۲۰۰۰ بنگاه بزرگ در سراسر جهان، به بیشترین مقدار خود رسیده است. شایان ذکر است، این روند با کاهش مداوم سهم درآمد نیروی کار در جهان مطابقت دارد.

برای یک دوره زمانی بلندمدت، تجارت بین‌المللی توسط بنگاه‌های چندملیتی بزرگی که در تجارت و سرمایه‌گذاری در خارج از کشور فعالیت می‌کنند، کنترل شده است. این وضعیت منجر به مزایای نابرابری شده که به طور نامتناسبی به نفع اقلیتی از واحدهای اقتصادی است، پدیده‌ای که حتی در کشورهای در حال توسعه نیز قابل مشاهده است. داده‌های اخیر در خصوص صادرات کالاها برای ۳۰ کشور در حال توسعه از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ نیز این روند را تأیید می‌کند. در داخل هر کشور، یک درصد از بزرگترین شرکت‌های صادرکننده مجموعاً بین ۴۰ تا ۹۰ درصد از کل درآمد صادراتی را دریافت کردند. این تمرکز صادرات در بیش از نیمی از کشورهای در حال توسعه، به ویژه در طول همه‌گیری کووید-۱۹، در مقایسه با دوره ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ افزایش یافته است. همچنین این افزایش به ویژه در کشورهای مبتنی بر مواد غذایی و مواد خام کشاورزی بیش از سایر کشورها بوده است. در مقابل، تنها تعداد کمی از کشورها، به ویژه کشورهای صادرکننده سنگ معدن و فلزات، کاهش تمرکز صادرات را تجربه کردند. تجزیه و تحلیل بیشتر نشان می‌دهد که تجارت خارجی اغلب تحت سلطه تعداد کمی از بنگاه‌هاست و برخی از کشورها به شدت به چند شرکت برای بخش قابل توجهی از صادرات خود وابسته هستند. به طور کلی، این یافته‌ها نگرانی‌ها در مورد کنترل بازار و توزیع نابرابر مزایای تجاری به ویژه در زمان بحران‌های جهانی را مورد تأکید قرار می‌دهد.

۴. تجارت در جهان فعلی

۱.۴. روند فعلی تجارت و چشم‌انداز آن

چشم‌انداز حجم تجارت کالاهای جهانی حاکی از رشد پیش‌بینی شده ۲۶ درصدی در سال ۲۰۲۴ و ۳.۳ درصدی در سال ۲۰۲۵ است که نشان‌دهنده بهبود تقاضا برای کالاهای مبادله‌شده پس از انقباض در سال ۲۰۲۳ است (نمودار ۲). در همین راستا تقاضای واردات تغییرات منطقه‌ای قابل توجهی را نشان داد که با کاهش شدید در اروپا، کاهش جزئی در آمریکای شمالی، سطوح پایدار در آسیا و افزایش در اقتصادهای عمده صادرکننده سوخت همراه خواهد بود. با این حال، با وجود کاهش کلی، حجم تجارت کالا در طول سال ۲۰۲۳ نسبتاً نزدیک به سطوح قبل از همه‌گیری بود.

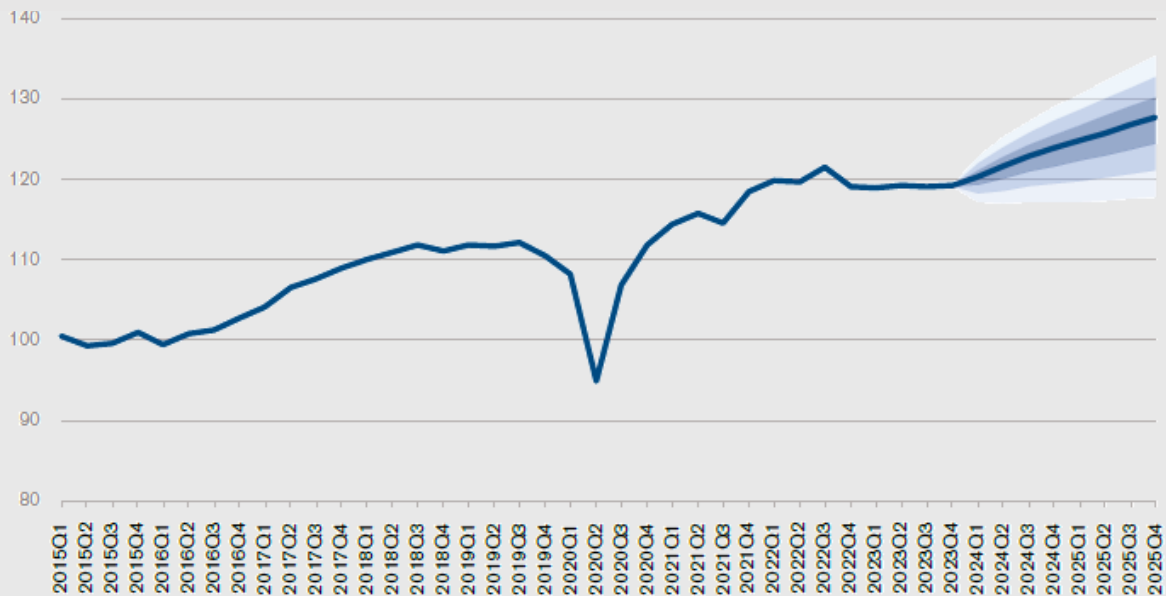
ارزش فعلی تجارت کالاهای جهانی در سال ۲۰۲۳ با کاهش قابل توجه صادرات از کشورهایی مانند روسیه، چین و ژاپن همراه بوده و در مقابل، ارزش در تجارت جهانی خدمات بازرگانی رشد ۹ درصدی را تجربه کرده که ناشی از بهبود هزینه‌های سفر و سایر خدمات بوده است (نمودار ۳).

در حالی که رشد تولید ناخالص داخلی جهان در سال ۲۰۲۳ با سرعت کمتری افزایش یافته، در مقایسه با رشد حجم تجارت نسبتاً ثابت مانده است. پیش‌بینی رشد تولید ناخالص داخلی در دو سال آینده نیز نشان می‌دهد که این رشد عمدتاً ثابت است و با کاهش جزئی به ۲.۶ درصد در سال ۲۰۲۴، قبل از بازگشت به ۲.۷ درصد در سال ۲۰۲۵ همراه خواهد بود. با این حال، به دلیل ریسک‌های مختلف، درجه بالایی از عدم اطمینان در مورد این پیش‌بینی‌ها از جمله عواملی در اقتصاد جهانی شامل درگیری‌های منطقه‌ای، تنش‌های ژئوپلیتیکی و افزایش حمایت‌گرایی وجود دارد.

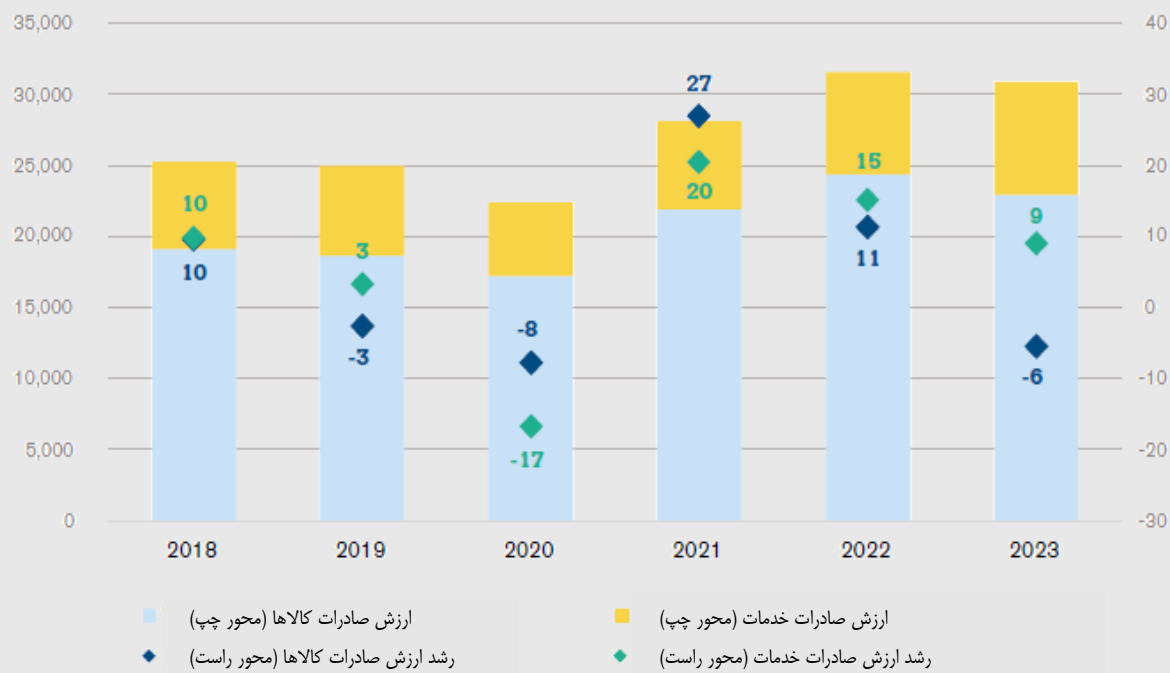
به طور کلی، رشد حجم تجارت پیش‌بینی شده برای سال ۲۰۲۴ می‌تواند از ۵.۸ درصد تا ۱.۶- درصد متغیر باشد که این امر نیاز به احتیاط و هوشیاری در تفسیر روندهای تجاری آینده را برجسته می‌کند.

نمودار ۲. حجم تجارت کالاهای جهانی، شاخص تعدیل شده فصلی

(۲۰۱۵ = ۱۰۰)



نمودار ۳. صادرات کالا و خدمات جهان از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ (میلیارد دلار - درصد تغییر)



منبع: سازمان تجارت جهانی

۲.۴. محرک‌های تجارت

در عصر حاضر، تجارت جهانی با موانع متعددی مواجه شده است که هر کدام از آن‌ها دامنه اثرات خود را بر روی اقتصادها و روابط بین‌المللی داشته‌اند. از جمله این بحران‌ها می‌توان به همه‌گیری ویروس کووید-۱۹، اختلالات در زنجیره تأمین بین‌المللی، نوسانات در بازارهای مالی و تنش‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی اشاره کرد. این بحران‌ها و چالش‌ها نه تنها بر تجارت کالاها بلکه بر تجارت خدمات نیز تأثیر گذاشته‌اند و باعث ایجاد نوسانات و تغییراتی در منابع، فرآیندها و الگوهای تجاری شده‌اند.

شروع کووید-۱۹ در ابتدا منجر به کاهش شدید حجم تجارت کالا در سه ماهه دوم سال ۲۰۲۰ شد. با این حال، تجارت در سه ماهه اول سال ۲۰۲۱ بهبود یافت و از سطوح قبل از همه‌گیری فراتر رفت و نقش مهمی در تأمین کالاها ضروری در طول دوره ایفا نمود. همه‌گیری و جنگ اوکراین فشارهای تورمی دستمزدها و درآمدهای واقعی را در اقتصادهای پیشرفته در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ محدود کرد و تقاضا برای واردات را کاهش داد و بر پیش‌بینی تجارت جهانی تأثیر گذاشت. قیمت‌های بالای انرژی نیز بر هزینه‌های تولید و هزینه‌های استقراض به دلیل نرخ‌های بهره بالاتر و همچنین بر تصمیمات مربوط به مصرف و سرمایه‌گذاری تأثیر گذاشت.

شکاف بین رشد تولید ناخالص داخلی جهان و رشد حجم تجارت کالا در سال ۲۰۲۳ را می‌توان به شرایط چالش برانگیز اقتصاد کلان ناشی از تورم نسبت داد. تورم، تجارت را از طریق تغییر در مصرف و توزیع جغرافیایی تحت تأثیر قرار داد که اثرات آن بر اتحادیه اروپا به دلیل افزایش قیمت انرژی بیش از سایر کشورها بود. انتظار می‌رود کاهش تورم در سال ۲۰۲۴ مصرف کالاها را تولیدی را افزایش داده و منجر به افزایش رشد حجم تجارت شود. در همین راستا سیاست‌گذاران ممکن است نرخ بهره را کاهش دهند، هزینه‌های سرمایه‌گذاری را تحریک کنند و مصرف و سرمایه‌گذاری در اتحادیه اروپا را در سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ تثبیت و تقویت نمایند.

به دنبال درگیری در اوکراین، قیمت کالاها با افزایش همراه شد زیرا کشورها به دنبال تأمین منابع ضروری و مواد غذایی بودند که نتیجه آن منجر به تشدید تورم گردید. این تورم بیشتر نیز در اقتصادهای پیشرفته به دلیل اختلالات زنجیره تأمین و محرک‌های سیاستی مرتبط با همه‌گیری کووید-۱۹ در حال افزایش بود. در حالی که شاخص‌های قیمت کالاها نسبت به اوج خود در نیمه دوم سال ۲۰۲۲ اندکی کاهش یافته است، اما بیشتر آنها تا سه ماهه اول سال ۲۰۲۴ به طور قابل توجهی بالاتر از سطح قبل از همه‌گیری هستند.

در دو ماه ابتدایی سال ۲۰۲۴، قیمت جهانی انرژی به طور متوسط ۴۱ درصد نسبت به بالاترین میزان خود کاهش یافت اما همچنان ۳۰ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۹ باقی ماند. قیمت نفت خام نیز نسبت به اوج خود در سال ۲۰۲۲ حدود ۳۰ درصد کاهش را تجربه کرده که ۲۹ درصد بالاتر از مقدار آن در سال ۲۰۱۹ است. در مقابل، قیمت گاز طبیعی در اروپا و ژاپن در مقایسه با

سال ۲۰۱۹ به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. قیمت محصولات کشاورزی و نهاده‌ها نیز، از جمله مواد غذایی، غلات و کودها، در سال ۲۰۲۴ در مقایسه با سال ۲۰۱۹ به طور قابل توجهی بالاتر بود، زیرا اقتصادهای انرژی‌بر مانند آلمان اثرات نامطلوبی را از قیمت بالای گاز طبیعی تجربه کردند.

از ابتدای سال ۲۰۲۲، بانک‌های مرکزی در اقتصادهای پیشرفته نرخ بهره را برای مقابله با فشارهای تورمی که باعث کاهش درآمد و کاهش مصرف می‌شود، افزایش داده‌اند. این سیاست پولی انقباضی تا حد زیادی در کاهش تورم موفق بوده است، هرچند چالش‌هایی را برای سیاست‌گذاران در تعیین زمان اعمال سیاست‌ها ایجاد کرده است.

در ایالات متحده و اتحادیه اروپا، تورم از اوج خود به میزان قابل توجهی کاهش یافته است که باید درآمد و مصرف خانوارها را تقویت کند. با این حال، نرخ‌های بهره بالا ممکن است برای مدتی سرمایه‌گذاری تجاری و هزینه‌های مرتبط با کالاهای بادوام را محدود کند.

ژاپن و چین رویکردهای متفاوتی در پیش گرفته‌اند، به طوری که ژاپن پس از سال‌ها، نرخ‌های بهره را افزایش و در مقابل چین برای جلوگیری از کاهش تورم، نرخ بهره را کاهش داد. هدف از این اقدامات تثبیت تورم و نرخ بهره در سطوح پایین و حمایت از بهبود تجارت در آسیا است.

۳.۴. شاخص‌های تجارت

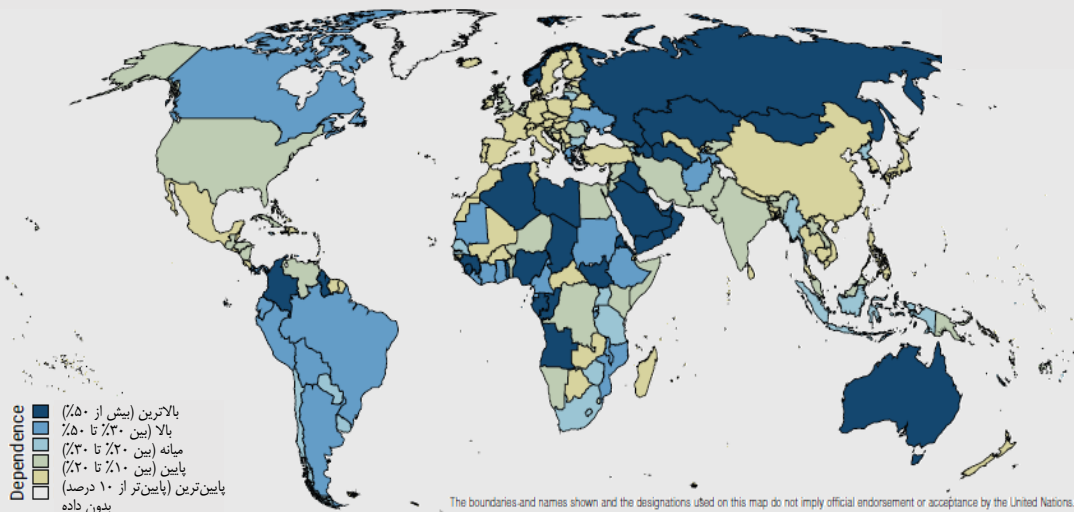
۱.۳.۴. شاخص وابستگی صادرات

فرمول محاسبه شاخص وابستگی کالا شامل تقسیم ارزش صادرات محصولات اولیه، که شامل کالاهای کشاورزی و مواد اولیه بوده، بر ارزش کل صادرات است. این شاخص بین ۰ تا ۱۰۰ درصد متغیر است. ارزش بالاتر نشان دهنده وابستگی بیشتر به مواد اولیه است. این بدان معناست که کشورهای دارای وابستگی بالا در برابر نوسانات قیمت منابع طبیعی و کالاهای کشاورزی آسیب پذیرتر هستند که می‌تواند منجر به بی ثباتی اقتصادی شود.

آخرین وضعیت شاخص وابستگی صادرات که اخیراً توسط آنکتاد برای سال ۲۰۲۲ منتشر شده، نشان می‌دهد کشاورزی و منابع طبیعی همچنان بخش قابل توجهی از ترکیب صادرات برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه را تشکیل می‌دهند. این وابستگی به کالاهای، به ویژه در کشورهای صادرکننده انرژی در مناطق مختلف و همچنین در کشورهای آفریقایی که به عنوان تامین‌کنندگان مواد خام خدمت می‌کنند، مشهود است. به طور مشابه، بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین به شدت به کشاورزی وابسته هستند که بخش قابل توجهی از کل صادرات آنها را تشکیل می‌دهد. در سال‌های اخیر، شاخص وابستگی صادرات روندهای متفاوتی را نشان داده است. در آفریقا، این شاخص به طور کلی کاهش یافته که نشان دهنده کاهش وابستگی به کالاهای اولیه در برخی کشورها است. با این حال، در آمریکای لاتین، آسیا، خاورمیانه و همچنین در ایالات متحده آمریکا و کانادا، شاخص‌ها افزایش یافته است. این امر حاکی از افزایش وابستگی به کالاهای اولیه در این مناطق است.

که به طور بالقوه آسیب‌پذیری در برابر نوسانات قیمت کالاها و بازار را تشدید می‌کند. برای **ایران** نیز این شاخص در محدوده بین ۱۰ تا ۲۰ درصد قرار گرفته که نشان دهنده وابستگی پایین آن به نوسانات قیمتی محصولات کشاورزی و محصولات اولیه است.

نمودار ۴. شاخص وابستگی صادرات در سال ۲۰۲۲



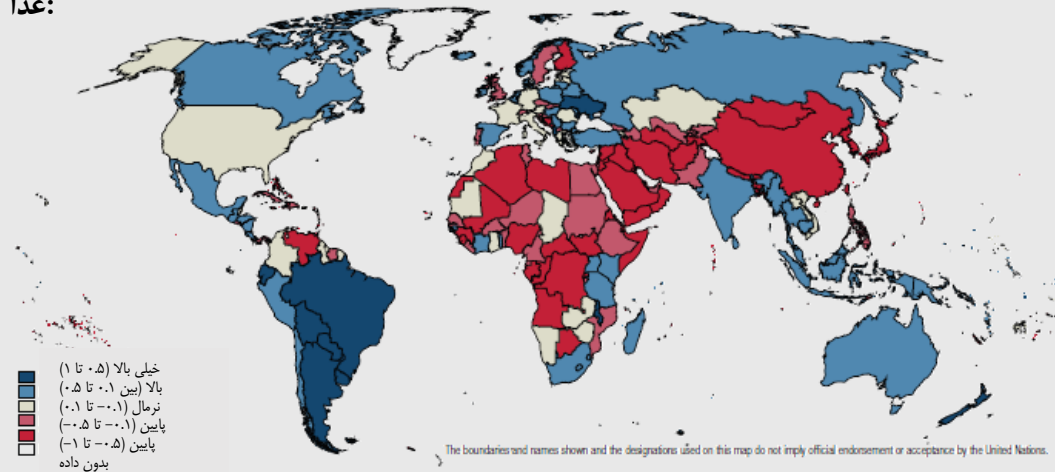
منبع: آنکتاد

۲.۳.۴. شاخص وضعیت خالص غذا و انرژی

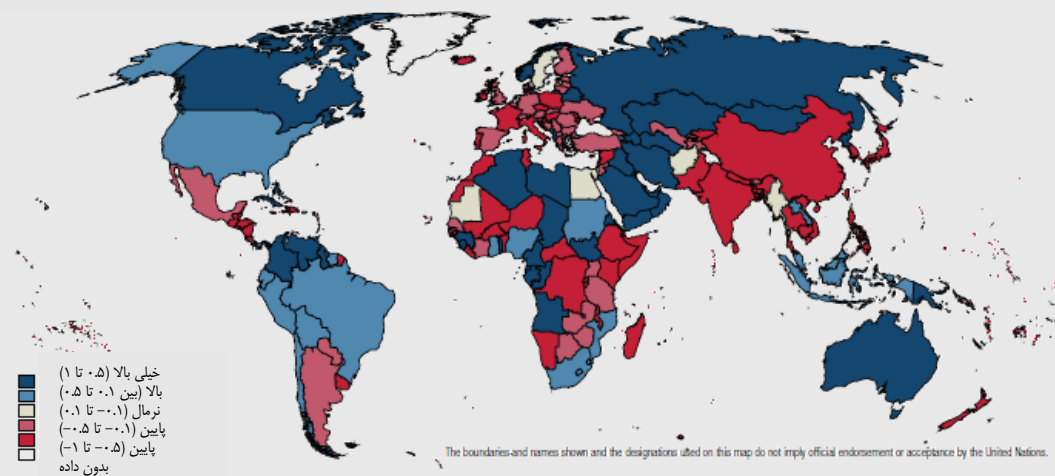
شاخص وضعیت خالص غذا و انرژی با کم کردن واردات محصولات کشاورزی و انرژی یک کشور از صادرات آن و سپس نرمال کردن نتیجه با تقسیم آن بر کل تجارت کشاورزی و انرژی (واردات به اضافه صادرات) محاسبه می‌شود. این شاخص از ۱- تا ۱ متغیر است که مقادیر مثبت نشان می‌دهد این کشور بیش از واردات محصولات کشاورزی، صادر می‌کند. تجارت مواد غذایی و انرژی تنوع قابل توجهی را در مناطق مختلف جغرافیایی نشان می‌دهد. به طور کلی، کشورهای آمریکای لاتین، اروپای شرقی، آفریقای شرقی و آسیای جنوبی عمدتاً غذا صادر می‌کنند، در حالی که اکثر کشورهای دیگر در آسیا و آفریقا همچنان واردکننده خالص غذا هستند. در مورد انرژی، اروپا و بسیاری از کشورهای آسیای شرقی و جنوبی به شدت به واردات متکی هستند و در مقابل کشورهای آسیای غربی و مرکزی، در کنار بسیاری از کشورها در آفریقا، آمریکای جنوبی و آمریکای شمالی، عمدتاً به عنوان صادرکنندگان انرژی محسوب می‌شوند. همانطور که از نمودارها مشخص است، **ایران** در شاخص وضعیت خالص غذا بیشتر واردکننده و در شاخص وضعیت انرژی بیشتر صادرکننده محسوب می‌شود.

نمودار ۵. شاخص وضعیت خالص غذا و انرژی در سال ۲۰۲۲

غذا:



انرژی:



منبع: آنتکاد

۳.۳.۴. شاخص تمرکز صادرات

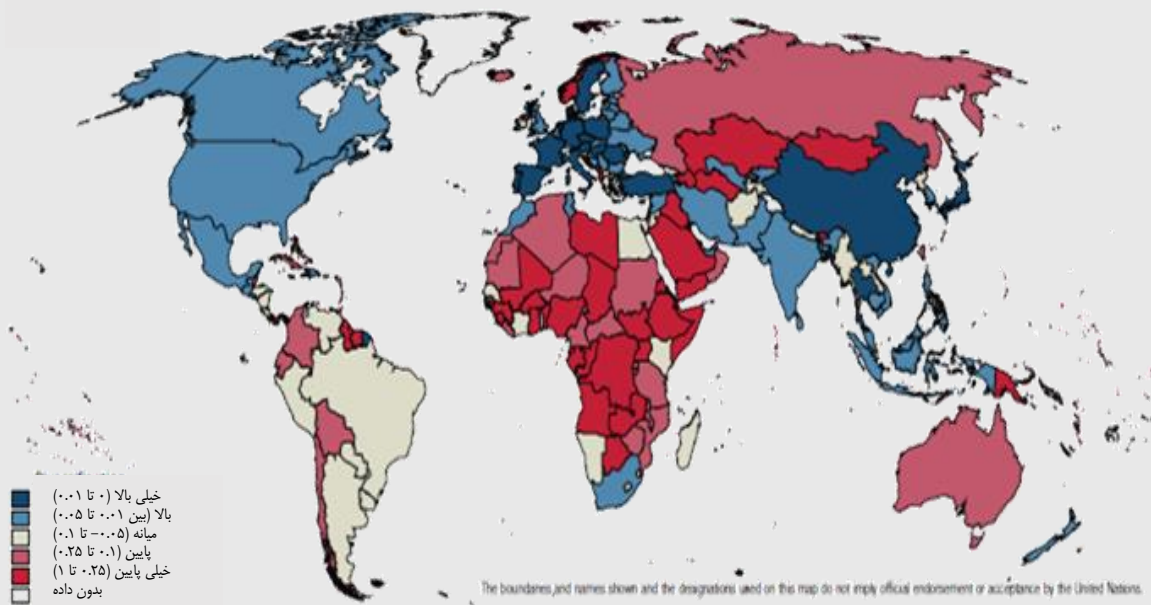
شاخص تمرکز صادرات با شاخص هیرشمن-هرفیندال اندازه‌گیری می‌شود که در آن مقادیر کمتر نشان دهنده تنوع بالاتر است. این شاخص نشان دهنده میزان پراکندگی صادرات یک کشور در مقاصد مختلف یا کالاهای مختلف (در سطح ۶ رقمی HS) است. تنوع کم به عنوان نشانه‌ای از آسیب‌پذیری تفسیر می‌شود، زیرا یک صادرکننده محدود به تعداد کمی از بازارها یا کالاهای صادراتی است که آنرا بیشتر در معرض شوک‌های اقتصادی قرار می‌دهد.

سبدهای صادراتی بسیاری از کشورهای در حال توسعه اغلب فاقد تنوع هستند و تنوع محدودی هم در نوع محصولات صادر شده و هم در مقاصد صادراتی را نشان می‌دهند. در حالی که برخی از اقتصادهای نوظهور در جهان در حال توسعه در زمینه

تنوع گام برداشته‌اند و به سطوحی قابل مقایسه با کشورهای توسعه یافته دست یافته‌اند، این روند همچنان در بسیاری از کشورها صورت نگرفته است. کشورهای آفریقایی، همچنان با تنوع ضعیف دست و پنجه نرم می‌کنند، زیرا صادرات آنها به شدت در چند محصول منتخب متمرکز شده و به سمت مقصدهای محدودی هدایت می‌شود. این فقدان تنوع چالش‌های مهمی را ایجاد می‌کند، زیرا آسیب‌پذیری در برابر نوسانات تقاضا و قیمت‌های جهانی را افزایش می‌دهد، فرصت‌های رشد اقتصادی و انعطاف‌پذیری را محدود می‌کند و تلاش‌ها برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار را با مشکل مواجه می‌کند. پرداختن به این موضوع مستلزم تلاش‌های هماهنگ برای گسترش ظرفیت صادرات، تقویت نوآوری و پیشرفت فناوری و تنوع بخشیدن به عرضه محصول و بازارهای صادراتی است. همانطور که مشخص است، شاخص تمرکز صادرات برای **ایران** از تنوع پایین در مقاصد صادراتی در سال ۲۰۲۲ برخوردار است.

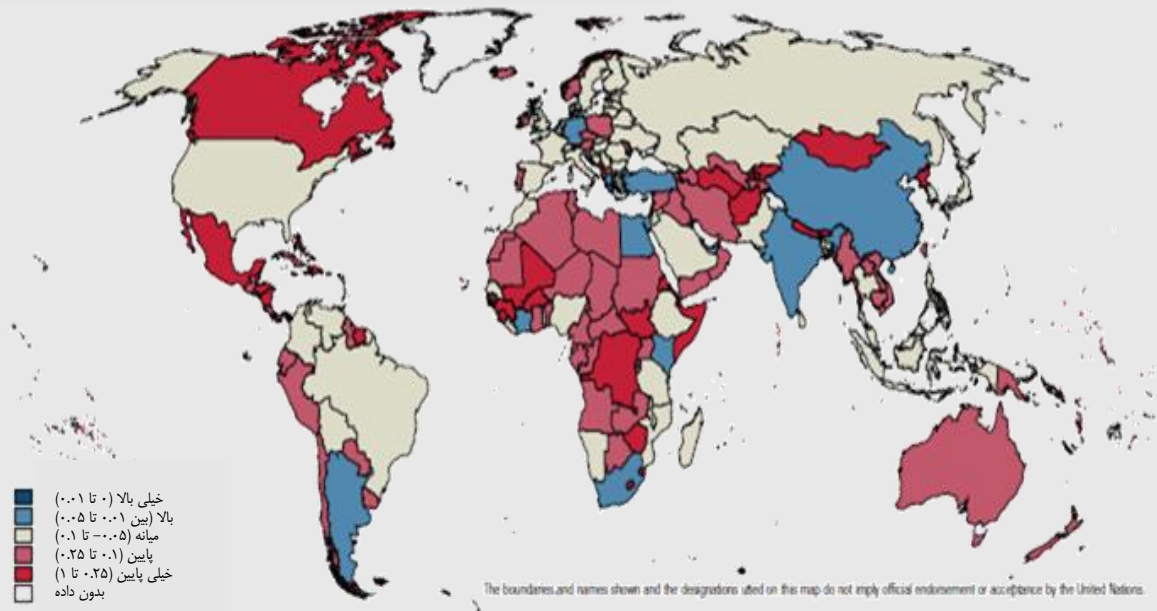
نمودار ۶. شاخص تمرکز صادرات در سال ۲۰۲۲

کالا:



منبع: آنکتاد

مقصد صادراتی:



منبع: آنکتاد

۵. چالش‌های تجارت جهانی

از آنجایی که اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۳ به میزان ۲.۷ درصد رشد کرد، داده‌های اخیر نشان دهنده رکود تقریباً ۱ درصدی تجارت جهانی کالا در مدت مشابه است. اگر این روندها ادامه داشته باشد و اعداد نهایی این سناریو را در ماه‌های آینده تأیید کنند، این اولین بار در حداقل چهار سال گذشته است که تجارت جهانی کالا در حالی که اقتصاد جهانی رشد کرده، با کاهش همراه شده است. چنین انقباضاتی در شرایط واقعی تجارت کالاهای جهانی در واقع اتفاقات نادری است که تنها جهان دو مرتبه در چهار دهه گذشته شاهد آن بوده است: ابتدا در اوج بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۹ و سپس در سال ۲۰۲۰ پس از شروع همه‌گیری کووید-۱۹، که هر دو به عنوان شدیدترین رکود اقتصادی از زمان جنگ جهانی دوم در نظر گرفته می‌شدند. از این رو، انقباض تجارت بین‌المللی کالا در میان پس‌زمینه گسترش اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۳ به‌عنوان یک پدیده بی‌سابقه در سال‌های اخیر خودنمایی می‌کند.

علاوه بر این، شوک‌های منفی بیشتری در مسیرهای دریایی که راه‌های حیاتی تجارت بین‌المللی کالا هستند، تجربه شد. این اختلالات در اطراف کانال پاناما و دریای سرخ متمرکز بود. در کانال پاناما، دوره طولانی خشکسالی کاهش گذرگاه‌ها را ایجاد کرد که منجر به طولانی شدن زمان انتظار و متعاقب آن افزایش عوارض پرداختی توسط کشتی‌هایی شد که تا اواسط مارس ۲۰۲۴ از طریق کانال تردد می‌کردند. در همین حال، در دریای سرخ، حملات کشتی‌های ناشی از درگیری‌ها در غزه، کشتی‌های حمل‌ونقل دریایی بزرگ را وادار کرد تا ترانزیت سوئز را متوقف کرده و مسیر خود را از دماغه امید نیک تغییر دهند، که به طور قابل توجهی طول مدت حمل و نقل را طولانی کرد.

با توجه به اینکه تجارت دریایی بیش از ۸۰ درصد تجارت جهانی کالا از نظر حجمی و تقریباً ۷۰ درصد از نظر ارزشی را تشکیل می‌دهد، اختلالات کانال پاناما و دریای سرخ که ۲ تا ۳ درصد و ۱۲ تا ۱۵ درصد از حجم تجارت دریایی بین‌المللی را مدیریت می‌کند، در سال‌های اخیر منجر به افزایش هزینه‌های حمل و نقل شده است. این اختلال همه بخش‌های تجارت دریایی را تحت تأثیر قرار داده و بر مناطق مختلف جغرافیایی و انواع محموله‌ها تأثیر گذاشته است. علاوه بر این، به دلیل تأثیر ناخوشایند گسترده‌تر بر شبکه‌های حمل و نقل و لجستیک جهانی، منجر به تأثیرات موجی شده است و نرخ حمل و نقل را حتی در مسیرهایی که مستقیماً از این مناطق آسیب دیده عبور نمی‌کنند، افزایش داده است.

به عنوان مثال، از نظر نرخ حمل و نقل، هزینه حمل کانتینر از شانگهای به جنوا یا روتردام بین اکتبر ۲۰۲۳ تا اواسط مارس ۲۰۲۴ بیش از سه برابر شد، در حالی که هزینه حمل کانتینر از شانگهای، بزرگترین بندر جهان، به لس آنجلس دو برابر گردید. علی‌رغم این افزایش‌های قابل توجه، نرخ حمل و نقل همچنان پایین‌تر از رکوردهای مشاهده شده در اواخر سال ۲۰۲۱ یا اوایل سال ۲۰۲۲ باقی مانده است. با نگاهی به آینده، در حالی که پیش‌بینی می‌شود وضعیت کانال پاناما با فرا رسیدن فصل بارانی در اواخر آوریل یا اوایل ماه مه بهبود یابد، وضعیت دریای سرخ ابهاماتی را در بر خواهد داشت.

فراتر از این چالش‌ها در صنعت کشتیرانی، انتظار می‌رود رشد کلی تجارت کالا در سال ۲۰۲۴ کاهش یابد، اگرچه باید به محدوده مثبت بازگردد. گزارش‌های اخیر از اقتصادهای بزرگ صادرکننده تصویر متفاوتی را نشان می‌دهد. در حالی که صادرات از چین و اروپا در ماه‌های ابتدایی سال ۲۰۲۴ بهبود یافته، ایالات متحده کاهش صادرات و واردات کالا در ژانویه ۲۰۲۴ را نسبت به مدت مشابه سال قبل تجربه کرده است.

تجارت خدمات نیز، به ویژه در بخش‌هایی مانند گردشگری، مخابرات، کامپیوتر و خدمات اطلاعاتی، تاب‌آوری و پویایی بیشتری را نشان داده است. اگرچه داده‌های جامعی هنوز در دسترس نیست، به نظر می‌رسد سایر اجزای تجارت خدمات نیز در ماه‌های اخیر تاب‌آوری از خود نشان داده‌اند. در نتیجه، پیش‌بینی می‌شود که تجارت خدمات در مجموع با سرعتی سریع‌تر از تجارت کالا در سال ۲۰۲۴ به رشد خود ادامه دهد، اگرچه نمی‌توان کاهش سرعت در برخی مؤلفه‌ها مانند خدمات ساختمانی را رد کرد، به‌ویژه زمانی که اثرات منفی نرخ‌های بهره بالاتر جهانی آغاز شده است.

به طور خلاصه، تحولات اخیر حاکی از بهبود اندک در تجارت جهانی کالا و خدمات در سال ۲۰۲۴ است. با این حال، چشم انداز تجارت همچنان با خطرات و عدم قطعیت‌های قابل توجهی احاطه شده است که عمدتاً به دلیل عواملی مانند افزایش حمایت‌گرایی، تنش‌های تجاری مداوم و نزولی است. افزایش عدم اطمینان سیاسی به عنوان مثال، اعلامیه اخیر اتحادیه اروپا مبنی بر افزایش مالیات بر خودروهای الکتریکی از چین، چالش‌های ادامه دار را برجسته می‌کند. این تحولات نه تنها بر چشم‌انداز تجاری تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه مانع از ظهور راه‌حل‌های چندجانبه هماهنگ می‌شود، که برای تقویت حفاظت از

محیط زیست و توسعه پایدار در سراسر جهان، به ویژه در زمانی که همکاری بین‌المللی در حوزه تجارت ضروری است، حیاتی است.

انتظار می‌رود شرایط تجاری چالش برانگیز تجربه شده در سال ۲۰۲۳ تا حدودی در سال‌های آتی بهبود یابد و به طور بالقوه تجارت کالا را در سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ تقویت کند. در حالی که رشد صادرات ممکن است در بسیاری از اقتصادها با افزایش تقاضای خارجی برای کالاها بهبود یابد، قیمت مواد غذایی و انرژی ممکن است به دلیل رویدادهای ژئوپلیتیکی با افزایش مواجه شود. بانک‌های مرکزی در اقتصادهای پیشرفته در تعیین سرعت مناسب کاهش نرخ بهره با چالش‌هایی مواجه هستند، زیرا محاسبات اشتباه می‌تواند منجر به نوسانات مالی سریعتر از حد انتظار در اواخر سال ۲۰۲۴ شود.

بهبود تجارت ممکن است به دلیل افزایش هزینه‌های تجاری و عدم اطمینان در روابط بین‌الملل با موانعی روبرو شود. تاب‌آوری تجارت جهانی با اختلال در مسیرهای اصلی کشتیرانی، به ویژه کانال پاناما و کانال سوئز مورد آزمایش قرار گرفته است. کانال پاناما که ۶ درصد تجارت جهانی را اداره می‌کند، به دلیل کمبود آب شیرین با ظرفیت جزئی کار می‌کند، در حالی که کانال سوئز که حدود ۱۲ درصد تجارت جهانی از مسیر آن صورت می‌گیرد، شاهد اختلالاتی است که هزینه سوخت به دلیل انحراف ترافیک تأثیر می‌گذارد.

نشانه‌های اولیه‌ای از پراکندگی جریان تجاری وجود دارد که صادرات و واردات مجدداً در امتداد خطوط ژئوپلیتیک قرار گرفته‌اند و عدم قطعیت سیاست تجاری در حال افزایش است. در حالی که تجارت بین بلوک‌هایی از اقتصادهایی که دیدگاه‌های سیاسی مشابهی دارند، از زمان جنگ در اوکراین کند شده است، همچنان روند مشخصی به سمت منطقه‌ای شدن وجود ندارد.

۶. نتیجه‌گیری

به منظور تقویت نظام تجارت جهانی و دستیابی به اهداف توسعه پایدار، سیاست‌گذاران باید رویکردی یکپارچه و مشارکتی اتخاذ کنند. این رویکرد مستلزم پرداختن به جنبه‌های مختلف سیستم تجاری، از جمله اصلاح موافقت‌نامه‌های تجاری، بررسی فرصت‌های صادراتی جدید، ارتقای یکپارچگی منطقه‌ای و اجرای طرح‌های حمایتی است. اصلاح نظام تجارت برای پاسخگویی به نیازهای در حال تحول کشورها در مواجهه با چالش‌های جهانی بسیار مهم است. سیاست‌گذاران باید توافقات دوجانبه، منطقه‌ای و چندجانبه را مورد ارزیابی مجدد قرار داده تا اطمینان حاصل کنند که با اهداف توسعه پایدار همسو هستند. با شناسایی شکاف‌ها و زمینه‌های بهبود، سیاست‌گذاران می‌توانند سیاست‌های تجاری فراگیرتر و عادلانه‌تری ایجاد کنند که به نفع همه کشورها باشد. بررسی فرصت‌های صادراتی جدید برای کشورهای در حال توسعه برای افزایش رشد اقتصادی و کاهش وابستگی به شرکای تجاری سنتی ضروری است. تجارت منطقه‌ای و جنوب-جنوب پتانسیل قابل توجهی برای تنوع ارائه می‌دهد، به طوری که تجارت جنوب-جنوب از سال ۱۹۹۵ از رشد تجارت جهانی و شمال-جنوب پیشی گرفته است.

ترویج یکپارچگی منطقه‌ای یکی دیگر از مولفه‌های حیاتی تقویت سیستم تجارت جهانی است. ابتکارات ادغام منطقه‌ای بسترهایی را برای کشورها فراهم می‌کند تا با یکدیگر همکاری کنند، سیاست‌های تجاری را هماهنگ نمایند و به چالش‌های مشترک به طور جمعی رسیدگی کنند. این همکاری می‌تواند به کاهش اثرات منفی مربوط به تغییرات آب و هوا، ناامنی غذایی و سایر مسائل جهانی کمک کند. با تجمیع منابع و به اشتراک‌گذاری تخصص، مناطق می‌توانند شبکه‌های تجاری قوی‌تری ایجاد کنند و توسعه پایدار را تضمین نمایند.

اجرای طرح‌های حمایتی برای تجارت در ایجاد محیطی مناسب و تقویت همکاری بین کشورهای در حال توسعه بسیار مهم است. طرح‌هایی مانند سیستم جهانی ترجیحات تجاری^{۱۲}، در کنار تسهیل تجارت از طریق کاهش تعرفه‌ها در میان کشورهای در حال توسعه، تجارت و رشد اقتصادی را تشویق می‌کند. این طرح‌ها همچنین می‌توانند با ترویج شیوه‌های پایدار و تجارت مسئولانه به گذار به سوی اقتصاد سبزتر کمک کنند.

با ادغام جنبه‌های مختلف از جمله اصلاح موافقت‌نامه‌های تجاری، بررسی فرصت‌های صادراتی جدید، ترویج یکپارچگی منطقه‌ای و اجرای طرح‌های حمایتی، سیاست‌گذاران می‌توانند یک سیستم تجارت جهانی منسجم و انعطاف‌پذیر ایجاد کنند. این رویکرد یکپارچه تضمین می‌کند که سیستم تجارت با اهداف توسعه پایدار همسو می‌شود و از رشد اقتصادی فراگیر حمایت می‌کند.

¹² The Global System of Trade Preferences



۷. منابع

1. UNCTAD, (2024), Trade and Development Report Update.
2. UNCTAD, (2024), Growth, Debt and Climate: Realigning The Global Financial Architecture. Trade and Development Report 2023.
3. UNCTAD, (2023), State of Commodity Dependence.
4. UNCTAD, (2024), Recent Trade Patterns: Slowdown, Volatility and Heterogeneity. Key Statistics and Trends in International Trade 2023.
5. UNCTAD, (2018), Indicators Explained Export Market Concentration Index.
6. World Trade Organization, (2024), Global Trade Outlook and Statistics.
7. World Trade Organization, (2023), Global Trade Outlook and Statistics.